



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش عالی



خوش آمدید

••• لطفا اندکی منتظر باشید.



به نام خداوند رنگین کمان
خداوند بخشنده و مهربان



برنامه امروز را با یک عدد آغاز می‌کنیم، آماده هستید؟
شروع می‌کنیم.



خوب دوستان عزیزم حدس بزنید این عدد چیست؟
حدس بزنید با این عدد چه کلمه‌ای می‌توان نوشت.

علی، به معنای بلند مرتبه است.

اما من مشخصاتی از این امام را برایتان بازگو می‌کنم تا شما حدس بزنید
منظور ما از علی کدام یک از امامان ما است؟

این امام در مدینه متولد شدند. کنیه آن حضرت ابوالحسن
است و یکی از القاب آن امام، ثامن الحجج علیه السلام است.

بله عزیزان من همانطوریکه حدس زدید امروز می‌خواهیم درباره امام هشتم؛ تنها
امامی که در ایران مدفون هستند، با شما صحبت کنیم.

امام رضا (علیه السلام) هشتمین امام
شیعیان از فرزندان پاک رسول خدا
(صلی الله علیه و آله) و هشتمین
جانشین پیامبر مکرم اسلام
(صلی الله علیه و آله) است.



اما برای آشنایی بیشتر با این امام به این کارتها توجه کنید.

ایشان در یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ هـ ق، در مدینه منوره متولد شد. نام مبارکش، علی، کنیه آن حضرت، ابوالحسن و دارای القاب متعددی از جمله؛ رضا هستند «رضا» به معنای «خشنودی» است.

رضا

بله نام پدر و مادر امام رضا علیه السلام پدر بزرگوار امام رضا، امام موسی کاظم (ع) پیشوای هفتم شیعیان بودند و مادر گرامیشان نجمه (تکتم) نام داشت.

موسی

امام رضا (ع) در مدینه، پس از شهادت پدر، امامت بر مردم را بر عهده گرفت، و به رسیدگی امور پرداخت، شاگردان پدر را به دور خودش جمع کرد و به تدریس و تکمیل حوزه علمیه جدش امام صادق (علیه السلام) مشغول شد.

نجمه

اما عدد ۲۰ چه ربطی به آن حضرت دارد؟ بله مدت امامت حضرت رضا(ع)، حدود ۲۰ سال طول کشید، که ۱۷ سال آن در مدینه و سه سال آخر آن در خراسان گذشت.

۲۰

دوستان خوبم این کارت چه ربطی با امام رضا پیدا می‌کند؟ بله برخی امام جواد(ع) را تنها فرزند ایشان دانسته و گروهی نیز فرزندان دیگری را برای حضرتشان برمی‌شمارند.

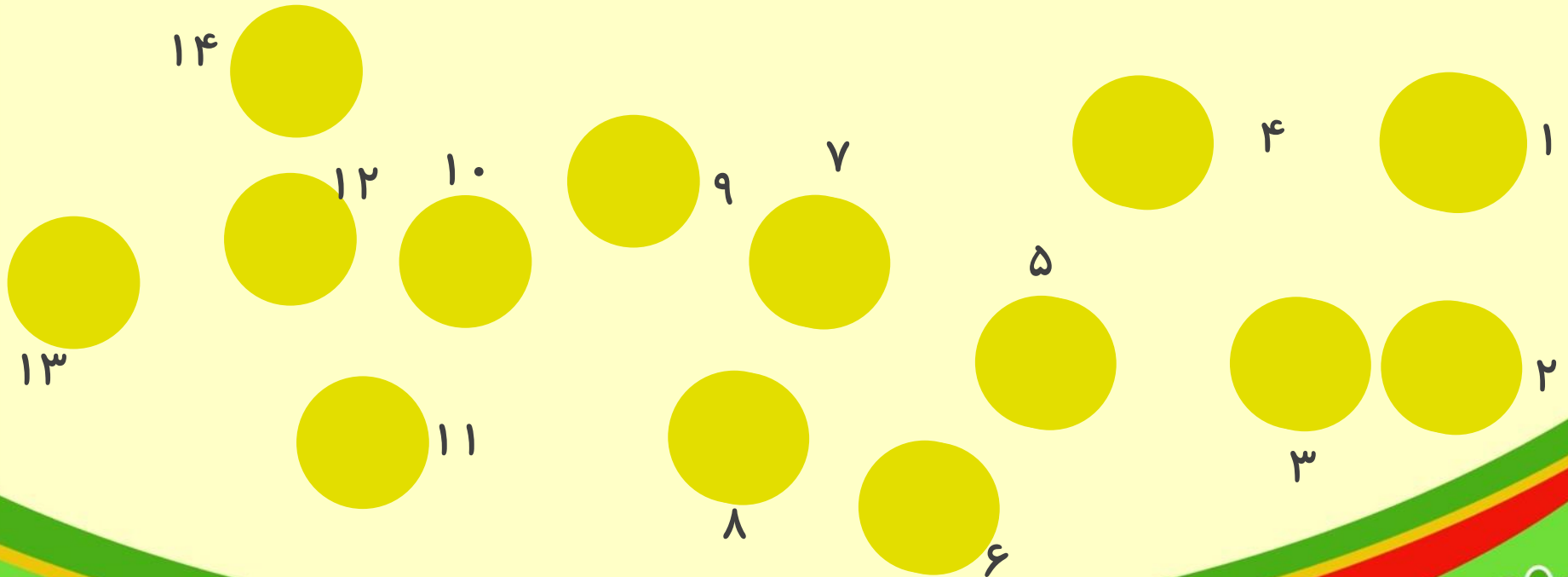
جواد

اما کارت آخر نام یکی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است حدث بزئید نام کیست؟ بله دوستان خوبم مأمون عباسی که نام خلیفه زمان و دشمن امام رضا علیه السلام بود. دوستان من امام رضا (ع) پس از هفده سال سکونت در مدینه و تبلیغ دین و ارشاد مردم، با نقشه و حيله مأمون عباسی، راه خراسان را در پیش گرفت. آن حضرت پس از قبول اجباری ولایت عهدی مأمون و گذشت سه سال، در ۵۵ سالگی به دست این خلیفه عباسی به شهادت رسید.

مأمون

اما بچه‌های عزیز آماده‌اید برویم سراغ تابلو؟

بله ما چند دایره در اینجا داریم که رازی دارند. برای پیدا کردن راز دایره‌ها شمابه سوالهای من جواب بدهید. من پاسخ شما را در داخل دایره‌ها به ترتیب می‌نویسم.



۱- کلمه هم معنی مصیبت چیست؟ بلا

۲- حلیم غلط چگونه نوشته می شود؟ هلیم

۳- به برادر مامان چه می گویند؟ دایی

۴- چه چیزی سلاح مومن است؟ دعا

۵- پرودگار تو به عربی چه گفته می شود؟ ربک

۶- هم معنی خوبی چیست؟ نیکی

۷- جمع ده (روستا) چیست؟ دهات

۸- پیامبری که صبرش معروف است، چیست؟ ایوب

۹- نام زیبایی خدا به عربی چیست؟ الله

۱۰- شهر حرم امام رضا (ع) چه نام دارد؟ مشهد

۱۱- به کسی که دائماً شیطان او را وسوسه می کند چه می گویند؟ وسواس

۱۲- یکی از مهمترین اسلحه ها چه نام دارد؟ تفنگ

۱۳- نام یکی از سوره های قرآن که به معنی غرش آسمان

و ابر است، چیست؟ رعد

۱۴- حدیث را کامل کنید: ... الله مع الجماعه یعنی: دست خدا با

جماعت است. کلمه ای که در جای خالی قرار می گیرد، چیست؟ ید

۱۴

ید

ع

الله

۹

۷

دهات

دعا

۴

بلا

۱

۱۲

تفنگ

۱۰

مشهد

رعد

۱۳

۵

ربک

دایی

۳

هلیم

۲

وسواس

۱۱

ایوب

۸

نیکی

۶

حالا حروف اول و آخر این کلمه ها را کنار هم قرار دهید تا راز دایره ها را پیدا کنید.

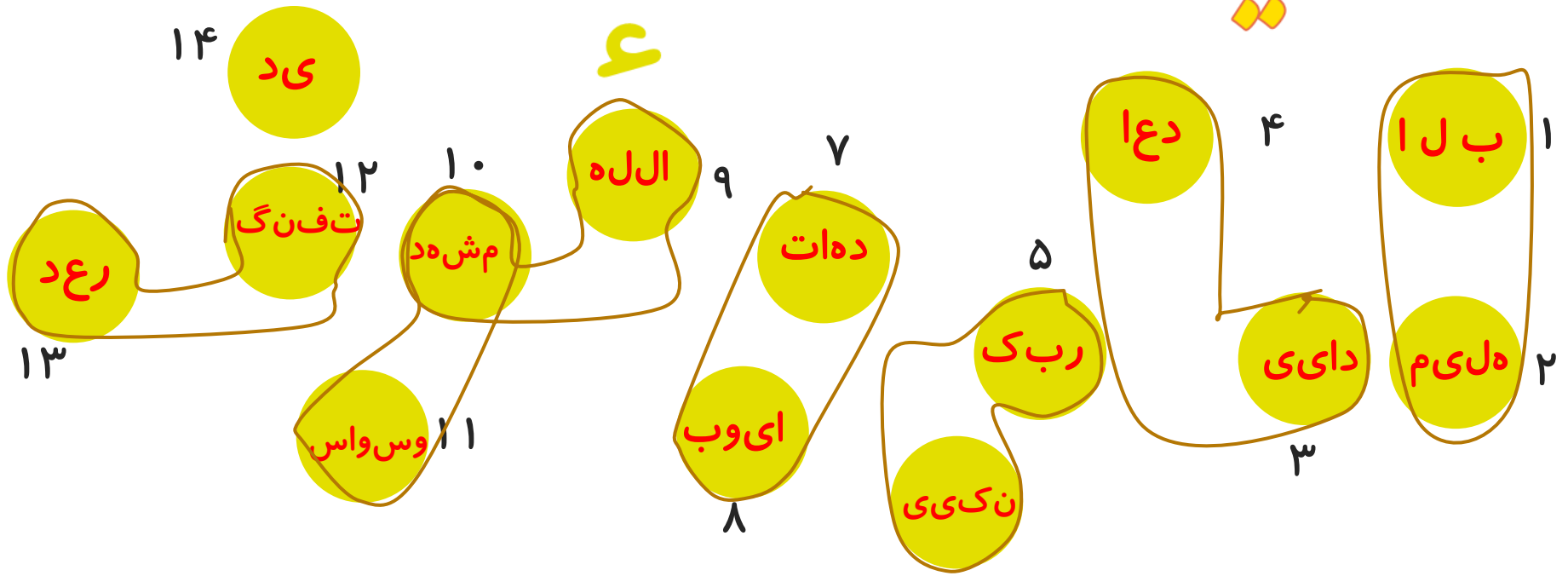
پیام جدوج



**با هم دیدار کنید تا
با هم دوست گردید.**

بله بچه‌ها، این یکی از سفارشات امام
رضا علیه السلام درباره دوستی است.

راز دایره ها



دوستان من، امام رضا (علیه السلام) به امام رئوف معروف است چون نسبت به همه مردم مهربان است. ما وقتی به حرم می رویم اینطور سلام می دهیم و زیارت می خوانیم:

السلام عليك ايها الامام الرئوف، يا علي بن موسى الرضا المرتضى (عليه آلاف التحية و الثناء)

روزی امام رضا (علیه السلام) در خانه اش با یاران خود مشغول صحبت کردن بودند، جمعیت زیادی در آن مجلس حضور داشتند که ناگهان صدای در آمد. مرد قد بلند غریبه ای بود که در می زد یکی از خدمتکارهای امام رضا (ع) در را به رویش باز کرد.

□ سلام! به آقا بفرمایید که مسافری از راه دور آمده است،
مطلبی دارد و می خواهد خدمت برسد. خدمتکار رفت و
پس از لحظه ای برگشت.

□ بفرمایید! امام اجازه ورود داد.

مرد قد بلند، لباسش را مرتب کرد و داخل شد.
امام با چند تن از شاگردان خود در ایوان
خانه نشسته بود و جلسه علمی داشت.
همه به احترام مرد غریبه از جا برخاستند.



امام با خوشرویی با او دست داد وی را کنار خود نشاند و حالش را پرسید. بحث علمی از سر گرفته شد. شاگردان سوال می کردند و امام جوابهایی کوتاه و بلند می داد. مرد قد بلند توی فکر فرو رفت. خجالت می کشید تقاضایش را بر زبان بیاورد، آن هم جلوی آن همه آدم.

یک دفعه در بین سوال و جواب، امام رو کرد به مرد قد بلند و به چهره پر از تشویش و غمگین او نگاه کرد. دوباره با مهربانی حالش را پرسید. مرد قد بلند با شرمندگی و آهسته طوری که دیگران حرفش را نشنوند گفت: مطلبی داشتم سرورم!

- بگو برادر!

من از سفر حج می آیم و از دوستاناران شما میم. هرچه داشتم در این سفر خرج شد. اکنون پولی ندارم که به دیار خود برگردم. کسی را هم در این شهر نمی شناسم که به من کمک کند. دو سه روز است که در کاروانسرای ابتدای این شهر اتراق کرده ام.

یکی از مسافران گفت به خدمت شما برسم.

من مرد ثروتمندی هستم. باور کنید وقتی به شهر خودم برسم به همان اندازه‌ای که به من کمک کردید از طرف شما صدقه خواهم داد.

امام با مهربانی دست خود را روی دست مرد گذاشت و گفت: بنشین.

مرد نگاهی به شاگردهای امام کرد. آنها چشم به او دوخته بودند. او سرش را پایین انداخت. دوباره سوال و جواب شروع شد. کم کم شاگردهای امام رفتند. تنها دو نفر از یاران نزدیک امام، سلیمان جعفری و خیمه باقی ماندند. امام به آن دو نگاه کرد.

- اجازه می‌دهید به اندرون خانه برگردم.

سلیمان با احترام پاسخ داد: خواهش می‌کنم. بفرمایید سرورم!

امام برخاست و به اتاق خود رفت. پس از مدت کوتاهی از پشت در اتاق مرد را صدا زد. غریبه بلند قامت برخاست و به درون خانه رفت.

از آن چه می دید تعجب کرد. امام بی آنکه دیده شود از پشت در کیسه کوچکی بیرون داده بود. وقتی مرد جلوی در رسید، امام از پشت در آهسته گفت: این دویست درهم را بگیر و خرج سفرت کن. من آن را به تو بخشیدم. لازم نیست از طرف من صدقه بدهی! مرد قذبلند از آن همه بزرگواری امام تشکر کرد و با دعای فراوان از او خداحافظی کرد.



وقتی مرد قذبلند از خانه امام رفت. امام پیش دو شاگرد خود برگشت. سلیمان پرسید: سرورم شما به آن مرد غریبه لطف زیادی کردید، اما چرا آن کیسه را از پشت در به او دادید بدون آنکه دیده شوید؟

امام گفت: ترسیدم با او چهره به چهره شوم و شرم و خجالت را در چهره اش بینم.

رسول خدا فرمود: «کسی که بخشش خود را بپوشاند پاداش او برابر با هفتاد حج است.»



امام رضا (علیه السلام) می فرمایند:

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که

- | | | | | | |
|----------|-------------|---------------|-------------|-----------|---|
| می کنند. | ک ر ش | انجام می دهند | ک ا ر خ و ب | هنگامی که | ۱ |
| می شوند. | ل ح خ ا و ش | انجام می دهند | ک ا ر ب د | هنگامی که | ۲ |
| می کنند. | ش گ ت ذ | داده می شوند | ن ع م ت | هنگامی که | ۳ |
| می کنند. | ب ت ه و | می بینند | م ص ی ب ت | هنگامی که | ۴ |
| می کنند. | ب ر ص | می شوند | خ ش م گ ی ن | هنگامی که | ۵ |



دوستان من برای اینکه به این یادگاری برسیم ابتدا باید حروف پراکنده را درست کنیم سپس گزینه های مناسب را به هم وصل کنیم.
حدیث از این قرار است که:

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که هنگامی که کار خوب انجام می دهند خوشحال می شوند، هنگامی که کار بد انجام می دهند توبه می کنند، هنگامی که نعمت به آنان می رسد شکر می کنند، هنگامی که مصیبت به آنان می رسد صبر می کنند، هنگامی که خشمگین می شوند گذشت می کنند.

(فقه الرضا، شیخ صدوق، ص ۳۵۴)

چه می شود اگر که من
بیوسم از ضریح او

مرا به سوی خانه اش
امام هشتمم رضا

دلم گرفته از همه
چه می شود طلب کند

چه می شود طلب کند
مرا به شهر با صفا

لَا تُصَلِّ عَلَى رَأْسِ ابْنِ أَبِي الْمَثَرِ

ولی نشد دلم کمی
از آن محبتش جدا

نرفته ام به مشهد و
نیامد او به خواب من



صلوات خاصه امام رضا (عليه السلام)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَ
حُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً
كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

أَوْلِيَائِكَ.

ترجمه: خدایا رحمت فرست بر علی
بن موسی الرضا امام با تقوا و پاک و
حجت تو بر هر که روی زمین است
و هر که زیر خاک، رحمت بسیار و
تمام با برکت و پیوسته و پیاپی و
دنبال همانند بهترین رحمتی که بر
یکی از اولیائت فرستادی.



معاونت فرهنگی و تبلیغی ، گروه تأمین منابع
قم، چهار راه شهدا، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۶۰
www.balagh.ir-tabligh@dte.ir

پایان

معهود
سلام الله عليها

خاطره